

سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد و رابطه آن با

سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین

علی اکبر مجدی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد: نویسنده مسؤول)

majdi@um.ac.ir

رامپورصدرنبوی (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد)

حسین بهروان (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد)

behraavan@um.ac.ir

محمود هوشمند (دانشیار اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد)

چکیده

سبک زندگی دارای سه بعد رفتاری، نگرشی و ترجیحات، انگیزه مصرف است. بعد رفتاری سبک زندگی جوانان در پیمایشی از 402 جوان ساکن شهر مشهد با هشت شاخص شامل: مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، رفتار سیاسی، رفتار انحرافی، توجه به آرایش و خودآرایی، مصرف لباس و کفش، مصرف خوراک و دین‌داری با ابزار پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفت و با توجه به اینکه مساله اصلی مقاله حاضر سنجش رابطه سبک زندگی و سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین بود، این رابطه مورد تایید قرار گرفت لازم به ذکر است که بیشترین تمایز سبک زندگی بین قشر بالا (هم سرمایه فرهنگی و هم سرمایه اقتصادی زیاد) و قشر پایین (سرمایه فرهنگی و اقتصادی کم) مشاهده شد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، مصرف، جوانان، مشهد، سرمایه فرهنگی

مقدمه

سبک زندگی یکی از مفاهیمی است که در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه جدی و اقبال جامعه‌شناسان قرار گرفت. با طرح مباحث مربوط به مدرنیته، هویت، مصرف و انگیزه‌های مصرف‌کنندگان از سوی جامعه‌شناسان بستر مناسبی جهت رشد مطالعات و تحقیقات تجربی در این زمینه فراهم شد. این گسترش با محوریت نظریات و آرای جامعه‌شناسانی همچون

هفتم

ماکس وبر^۱، گیدنز^۲، وبلن^۳، بوردیو^۴، پیترسون^۵ و... انجام گرفت. بررسی پیشینه های تجربی در زمینه سبک زندگی در ایران نشان می دهد که سابقه پژوهش در این زمینه به کمتر از بیست سال می رسد البته از سال 1380 تاکنون اقبال محققان به سوی این موضوع بیشتر شده است. به گفته فاضلی^۶ (1382) گستردگی ابعاد و پیچیدگی موضوع موجب شده است که مرزهای محدود کننده این موضوع لغزنده و مبهم باشد و لذا برداشت های متفاوتی از این موضوع و قلمرو آن به وجود آید که در بررسی ها قابل مشاهده است.

سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی اولین بار در سال 1929 توسط آلفرد آدلر^۶، روان شناس اجتماعی، مطرح شد. و پس از یک دوره افول، مجدداً از سال 1961 مورد اقبال اندیشمندان به خصوص جامعه شناسان قرار گرفت.

در ادبیات جامعه شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و مفهوم سازی وجود دارد، یکی مربوط به دهه 1920، که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است (چاپین^۷ 1995؛ چاپمن^۸ 1935) و دوم به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف گرای می یابد (گیدنز 1991؛ بوردیو 1984؛ فدرستون^۹ 1987 و 1991؛ لاش و یوری^{۱۰}

- 1- Weber
- 2- Giddings
- 3- Veblen
- 4- Bourdieu
- 5- Peaterson
- 6- Addler
- 7- Chapin
- 8- Chapman
- 9- Feathrston
- 10- Lash & Urry

1987) و در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه روزافزایش می‌یابد (اباذری، 1381).

جنسن¹ (2007) معتقد است که بیشتر اوقات این مفهوم بدون آنکه به طور دقیق معنای روش زندگی را بدهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد و در ادبیات این واژه، به روش‌های مختلف تعریف شده و اینکه در چهار سطح جهانی، ملی، منطقه‌ای و فردی قابل اندازه‌گیری است. فرهنگ علوم اجتماعی سبک زندگی را به نوع زندگی یا نوع معیشت ترجمه کرده که منظور چگونگی جریان حیات و شیوه زندگی انسان‌ها به صورت فردی و گروهی است و چگونگی استفاده از درآمد، طول زمان کار، شیوه لباس پوشیدن، تغذیه، نحوه آرایش، محل سکونت، رفتارهای دینی و فرهنگی و... را شامل می‌شود (بیرو، 1375). گیدنز (1382) سبک زندگی را مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره خود می‌داند که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌هاست و بر همین اساس از نوعی وحدت برخوردار است.

بورديو سبک زندگی را نتیجه قابل رؤیتی از ابراز عادت می‌داند از نظر او همه چیزهایی که انسان را احاطه کرده است مثل مسکن، اسباب و اثاثیه، کتاب‌ها، سیگارها، عطرها، لباس‌ها و غیره بخشی از سبک زندگی او می‌باشند (پالومتس²، 1998).

فیدرستون (1991 به نقل از شهابی، 1386) بدن، لباس، نحوه صحبت کردن، فعالیت‌های فراغتی، ترجیحات خوراکی و نوشیدنی، خانه، اتومبیل، انتخاب مقصد گذران تعطیلات و نظایر این‌ها را شاخص‌های فردیت ذائقه و سبک مورد علاقه مصرف‌کننده می‌داند.

وبر واژه سبک زندگی را جهت اشاره به شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت بودند، به کار گرفت و (تامین، 1383). وبر در تحلیلی چند بعدی به سه مفهوم سبک زندگی یا سبک مند شدن

1- Jensen

2- Palumets

هفتم

زندگی، تدبیر زندگی و بخت زندگی اشاره می‌کند. وی خصیصه اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن آن می‌داند که محدود به برخی مضایق ساختاری است و این محدودیت‌ها اقتصادی و اجتماعی اند. وبر کارکرد دو گانه ای برای سبک زندگی قایل است. از یک طرف موجب تفاوت بین گروهی می‌شود و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌بخشد و از سوی دیگر موجب انسجام بخشیدن درون گروهی می‌شود. به نظر او سبک زندگی بیش از آنکه بر تولید استوار باشد، بر شباهت الگوهای مصرف استوار است (فاضلی، 1382).

وبلن (1386) انگیزش‌های اجتماعی برای رفتار رقابت آمیز و چشم و هم‌چشمی را پایه و اساس تبیین پدیده مصرف مدرن قرار می‌دهد و با طرح مفهوم طبقه تن آسا، مفهوم تمایز طبقاتی که در مصرف تجلی پیدا کرده است را مطرح می‌کند و قدرت مالی و ثروت را مبنای افتخار، منزلت و جایگاه اجتماعی می‌داند. البته وی نقش ذخیره کردن ثروت در کسب افتخار را ضعیف تر از نمایش دادن آن می‌داند و معتقد است که برای به دست آوردن و حفظ اعتبار، فقط داشتن ثروت یا قدرت کافی نیست بلکه ثروت و قدرت باید نشان داده شود، زیرا اعتبار فقط با آشکار کردن آن‌ها به دست می‌آید. به نظر او افراد ثروتمند در جوامع کوچک از طریق فراغت خود نمایانه و در جوامع بزرگ و شهری از طریق مصرف خود نمایانه و نمایشی، ثروت خود را به نمایش می‌گذارند. وی به اصل و قانون ضایع کردن تظاهری در جریان مصرف نمایشی اشاره می‌کند که منظور مسابقه و رقابت بر سر هر چه بیشتر پول خرج کردن است. وی پدیده مد را مختص به طبقه بالایی می‌داند که می‌خواهند نشان دهند که برای کسب درآمد مجبور به کار کردن نیستند. او یکی از بهترین زمینه‌های مصرف نمایشی و ضایع کردن تظاهری را مصرف لباس می‌داند.

گیدنز (1383) انسان را به عنوان عامل در شکل‌گیری هویتش موثر می‌داند و معتقد است که انسان تحت فشار ساختار اجتماعی سبک زندگی را بیشتر تقلید می‌کند. به نظر او در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از سبک‌های زندگی پیروی می‌کنیم بلکه به تعبیر دیگر ناچار به این پیروی هستیم. در حقیقت ما انتخاب دیگری به جز گزینش نداریم. به نظر وی هرچه وضع

و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می برد بیشتر به دنیای مابعد سنتی تعلق داشته باشد، سبک زندگی او نیز بیشتر با هسته واقعی هویت شخصی اش، و ساخت و همچنین با تجدید ساخت آن سروکار خواهد داشت. البته منظور گیدنز از کثرت انتخاب که در همه انتخاب‌ها بر روی همه افراد باز است.

زیمل متمایز ساختن خود از دیگران - به واسطه مد - را محرک مصرف می داند وی کارکرد دو گانه ای برای مد قایل است در یک وجه، اعلام تمایل فرد برای متمایز شدن از دیگران و بیان هویت فردی و خواست فردیت است، اما وجه دیگر آن که جنبه طبقاتی دارد، سبب همبستگی گروهی و تقویت انسجام اجتماعی طبقاتی است (میلز¹، 1996 به نقل از فاضلی، 1382).

بورديو در باره شکل گیری سبک های زندگی نظریه ای منسجم ارائه داده است. مطابق مدلی که او ارائه کرده است شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید منش خاص منجر می شود و منش دو دسته نظام است. نظامی برای طبقه بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و شناخت‌ها (قریحه ها). نتیجه نهایی تعامل این دو نظام سبک زندگی است. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه ای خاص طبقه بندی شده و حاصل ادراکات خاص هستند. همچنین سبک زندگی تجسم یافته ترجیحات افراد است که به صورت عمل در آمده و قابل مشاهده هستند. الگویی غیر تصادفی که ماهیت طبقاتی دارد. او با نشان دادن اینکه سبک های زندگی محصول منش ها و خود منش ها نیز تابعی از انواع تجربه ها و از جمله تجربه آموزش رسمی هستند و با بیان این نکته که الگوهای مصرفی اصلی ترین بروز سبک های زندگی اند، ارتباط میان آموزش رسمی در ساختار سرمایه داری و باز تولید آن را تحلیل کرد. عمده ترین میراث اندیشه بورديو برای جامعه شناسی مصرف و تحلیل سبک های زندگی، تحلیل ترکیب انواع سرمایه برای تبیین الگوهای مصرف، بررسی فرضیه تمایز یافتن

هفتم

طبقات از طریق الگوهای مصرف و مبنای طبقاتی قریح و مصرف فرهنگی است (فاضلی، 1382).

دوگلاس و ایشرود¹ (1996) متجلی کردن و ثبات بخشیدن به مقولات فرهنگ را محرک مصرف می دانند به نظر آنان چون کالاها وجه نمادین دارند قادرند به عنوان ابزار مبادله و ارتباط به کار گرفته شوند، مصرف کالاها برای حفظ ارتباط و انسجام، جلب حمایت دیگران و ابراز مهربانی کردن لازم اند. به نظر کمپل² (1987) مصرف مدرن با مصرف سنتی متفاوت است. مصرف سنتی لذت مصرف اشیا و انجام اعمال را در خود آنها جست و جو می کند اما مصرف مدرن لذت مصرف را در تجربه ذهنی آن دنبال می کند و لذت خواستن اشیا بیش از لذت داشتن آنهاست و مصرف کردن چرخه ای بی انتهاست، زیرا تجربه مصرف کردن همواره از خیال مصرف عقب تر است.

پترسون معتقد است که در دوران جدید الگوی مصرفی بروز کرده است که دیگر اعضای طبقات بالا خود را به داشتن یک الگوی مصرف مشخص محدود نمی کنند. او این الگوی مصرف را «همه کاره بودن» می خواند. در چنین الگوی مصرف جدیدی، طبقات بالا از همه انواع فرهنگ و هنراستفاده کرده و به سلسله مراتب ژانرهای فرهنگی بی اعتنا هستند. ملاحظاتی زیبا شناختی که بر مبنای معیارهای فردی تعریف می شوند هدایت کردن زندگی و داوری سلیقه ها را بر عهده می گیرند. وی چنین تحولی را «زیبا شناختی شدن زندگی روزمره» می خواند (فاضلی، 1382).

بر اساس تعاریفی که بیان شد می توان گفت سبک زندگی عبارت از شیوه زندگی کردن است که شامل رفتارهای عینی در قالب مصرف می شود.

1- Douglas & Isherwood

2- Campbell

سرمایه فرهنگی (تحصیلی) و سرمایه اقتصادی

سرمایه مفهومی بیشتر اقتصادی است که تعریف آن را باید ابتدا در ادبیات آن رشته علمی دنبال کرد. در فرهنگ علوم اقتصادی، سرمایه که یکی از عناصر مهم تولید در نظام سرمایه داری است متشکل از مالی است که از آن عایدی به دست آید و برحسب پول بیان می شود. برخی اقتصاد دانان معلومات اکتسابی را نیز به معنای سرمایه دانسته اند (فرهنگ، 1369). هایک سرمایه را مجموعه ای از کالاهای قابل تولید مجدد می داند: (شایان مهر، 1379). مارکس معتقد است که گردش کالایی سرآغاز سرمایه است و پول به عنوان آخرین محصول دوران کالایی، نخستین صورت تجلی سرمایه است و از لحاظ تاریخی، سرمایه همه جا در برابر مالکیت ارضی بدو به شکل پول، به مثابه دارایی نقدی، سرمایه تجاری و سرمایه ربایی است: (مارکس، بی تا). و در تعریف دارایی و ثروت که مشابه سرمایه است، گفته می شود هر آنچه که ارزش یا مطلوبیت داشته باشد ثروت است و یا ذخیره کالاهای موجود در یک زمان معین که باید با مقررات زیر موافق باشد: 1- مطلوبیت داشته باشد 2- دارای ارزش پولی باشد 3- عرضه آن محدود باشد 4- انتقال مالکیت آن از یک شخص به دیگری ممکن باشد (فرهنگ، 1369). به نظر بوردیو سرمایه فرهنگی، داشتن تمرین‌هایی از فرهنگ قانونی یا قانون فرهنگی است (بوردیو، 1984). مفهوم سرمایه فرهنگی نزدیک به مفهوم وبری سبک زندگی است که شامل مهارت‌های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن، مدارک تحصیلی، و شیوه‌هایی می گردد که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می کند (ممتاز، 1383). همچنین سرمایه اقتصادی از نظر بوردیو شامل درآمد و انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت قرار می گیرند (رضوی زاده، 1387). برای بوردیو وجود یک خانه، یک قایق و ماشین لوکس یا گذراندن تعطیلات در هتل‌های مجلل نیز نشانه‌های ویژه سرمایه اقتصادی است (بوردیو، 1984). آنچه مسلم است سرمایه علاوه بر اینکه در طول عمر یک فرد و به تدریج انباشته می شود ممکن است از طریق ارثیه از والدین نیز به فرد منتقل شود. با عنایت به اینکه در این تحقیق پاسخ گویان در بازه سنی 29 - 15 ساله بودند اکثر آن‌ها فاقد استقلال اقتصادی و

هفتم

تجربه فرهنگی فردی بودند و لذا ثروت والدین (اعم از ارزش منزل و مستغلات، موجودی حساب بانکی، ارزش سهام و ارزش اتومبیل) به عنوان متغیر سرمایه اقتصادی در نظر گرفته شد. البته لازم به توضیح است که بین متغیر ثروت و درآمد ماهیانه در این تحقیق همبستگی معنادار و نسبتاً قوی معادل 66٪ وجود داشت و میانگین میزان تحصیلات والدین به عنوان متغیر سرمایه فرهنگی پاسخ گویان قرار گرفت.

ترکیب انواع سرمایه (البته فقط اقتصادی و فرهنگی) در نزد بوردیو به منظور ارایه یک الگوی طبقه بندی اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرد. برای بوردیو هر قشر اجتماعی بر اساس ترکیبی از سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تعریف می شود. اعضای هر طبقه در هر میدان، جایگاهی مخصوص به خود دارند که براساس ترکیب انواع سرمایه تعیین شده است. تحلیل سرمایه در نزد هر طبقه به سه وجه مرتبط است: 1- میزان سرمایه (کم/زیاد) 2- ساختار سرمایه: (اقتصادی/ فرهنگی) 3- بعد زمانی سرمایه (کاهش بین نسلی/ افزایش بین نسلی) (بوردیو به نقل از رضوی زاده، 1387).

بوردیو براساس ترکیب سرمایه هایی که در اختیار افراد می باشد سه قشر بالا، متوسط و پایین را از یکدیگر متمایز کرده و قشر بالا را به سه زیر گروه تقسیم می کند که شامل: 1- گروهی که از نظر سرمایه اقتصادی و فرهنگی در سطح بالایی قرار دارند (بیشترین نمونه معرف این گروه متخصصان حرفه ای هستند). 2- گروهی که سطح سرمایه اقتصادی بالا ولی سرمایه فرهنگی به اندازه اقتصادی بالا نباشد (مثل گروه شغلی کارآفرینان). 3- گروهی که سطح سرمایه فرهنگی بالا ولی سطح سرمایه اقتصادی به اندازه سرمایه فرهنگی بالا نباشد (مثل گروه شغلی معلمان) (بوردیو، 1984).

پیشینه تحقیق

با توجه به گستردگی موضوع سبک زندگی تحقیقات قابل توجهی در این زمینه در کشورهای دیگر و اخیراً ایران انجام شده است برخی از این منابع به مباحث تئوریک در

زمینه سبک زندگی و مشکلات و ابهاماتی که این واژه دارد، پرداخته و ضعف سبک زندگی در تبیین سایر پدیده های اجتماعی را مورد بحث قرار می دهند (مانند جنسن، 2007؛ راسل، 2005). دسته ای از تحقیقات به بعد نگرشی سبک زندگی پرداخته اند و نگرش پاسخ گویان به پدیده های خاصی را به عنوان سبک زندگی تلقی کرده اند (لیتل^۱، 1989؛ محمدی، 1386). حال آنکه نگرش الزاماً به رفتار منجر نمی شود برخی از تحقیقات تجربی در زمینه سبک زندگی آن را در حد چند عادت یا رفتار خاص ورزشی یا خوردن مواد خوردنی خاص تقلیل داده و اثر آن را بر یک پدیده دیگر مانند بیماری مورد بررسی قرار داده اند (سی دونوگو^۲ و دیگران، 1992؛ مهوس^۳، 2000؛ رکس^۴ و همکاران، 1997؛ گلوباردس^۵ و دیگران 2003؛ هیمن^۶، 2000؛ میر زمانی و پور اعتماد، 1383؛ استاجی و همکاران، 1385). حال آنکه زندگی یک کلیت بهم پیوسته است و لذا سبک زندگی نیز واجد این کلیت است. دسته ای از تحقیقات ضمن اذعان به کلی بودن سبک زندگی و اشاره به شاخص های متعدد آن، در عمل فقط به یک بعد و شاخص اکتفا کرده و آن را مورد سنجش قرار می دهند (رضوی زاده، 1386؛ شفیعی، 1386).

در مورد محتوای پیشینه های مورد بررسی، می توان به چند نکته توجه کرد. جنسن (2007) در مورد مشکلات تحقیق در مورد سبک زندگی و به خصوص مشکل ابهام در تعریف سبک زندگی بحث کرده و یک تعریف از بعد شناختی را ارائه می نماید. لثوبی (1380) در تحقیقی در مورد سبک های زندگی جوانان در انگلستان نتیجه گرفت که پیوند عمیقی میان زمینه طبقه اجتماعی و فرصت های زندگی (و بنابراین سبک زندگی) جوانان وجود دارد و رابطه همبستگی بین طبقه اجتماعی والدین پاسخ گو و مسیرهای شغلی - آموزشی از

1- Little

2- Donoghoe

3- Meheus

4- Rex

5- Globardes

6- Heiman

هفتم

نظر آماری معنا دار است. فردرو (1378) در تحقیقی در یکی از مناطق شهر تهران دریافت که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مصرف کالا های فرهنگی رابطه همبستگی معنا داری وجود دارد.

موضوع دیگر سنخ بندی سبک زندگی در تحقیقات مختلف است. البته هیچ توافق نظری در مورد تعداد سبک های زندگی وجود ندارد. میچل در آمریکا نه سبک زندگی تشخیص می-دهد (میچل، 1985 به نقل از رضوی زاده، 1387). هارتون و هانت¹ (1984) بر اساس سه طبقه اجتماعی، سه سبک زندگی را بیان می کنند. محققان انگلیسی در نوع بندی جامعه، شش طبقه را از یک دیگر متمایز می کنند (مارش²، 1986). روسویگ³ (2005) ضمن اشاره به یک سبک زندگی آمریکایی، به روایت دیگر بر اساس یافته های پژوهشی شرکت کاریتاس، 60 گروه سبک زندگی در آمریکا تشخیص داده شده است که رفتارهای مصرفی و گرایشات سیاسی متفاوتی دارند. شهابی در سال 1377 به روش کیفی و با استفاده از تیپ ایده آل وبری یک سنخ بندی از سبک های زندگی جوانان ایرانی ارائه نمود که بر اساس آن سه نوع سبک زندگی در بین جوانان ایرانی وجود دارد که شامل سبک زندگی همنوانانه یا متعارف، سبک زندگی بسیجی و سبک زندگی جهان وطنانه (شهابی، 1386).

تقی آزاد ارمکی و شالچی (1384) نیز در مقاله «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ» با توجه به نظریه بوردیو به بررسی مقایسه ای دو سبک زندگی در میان جوانان منطقه 3 شهر تهران می پردازند. سبک زندگی اصول گرایی انقلابی که متأثر از ارزش های انقلاب اسلامی است و اجتناب از روابط با نامحرم و دوری از مدگرایی و مصرف گرایی غربی و تاکید بر هویت اسلامی در مقابل هویت غربی از ویژگی های این سبک است و سبک زندگی پسامدرن

1- Hurton & Hunt

2- Marsh

3- Reusswig

که مد گرایی، مصرف گرایی و مصرف گرایی غربی و ارتباط با جنس مخالف از جمله ویژگی‌های این سبک است.

محمدی (1378) نیز در مقاله «اخلاق شادی، سبک زندگی» ویژگی‌های یک سبک زندگی را برمی‌شمرد که شهابی آن را سبک زندگی سنتی و در مقابل سبک زندگی ساینرین که متفاوت از گروه قبلی هستند که شهابی آن را سبک مدرن نامیده است (به نقل از شهابی، 1386). بنیامین باربر¹ (1996) یک سنخ‌شناسی دوگانه از سبک زندگی ارائه می‌دهد. او برای توصیف عملکرد دو روند هم‌زمان در جهان از دو واژه «جهاد²» و «مک ورلد³» استفاده می‌کند. به نظر وی ما از یک طرف شاهد روند محلی سازی، خاص گرایی یا سیاست هویت (در اشکال دینی، قومی و نژادی) هستیم که شامل همه اشکال مخالفت بنیاد گرایانه با تجدد می‌شود که در ادیان و مذاهب اسلام، پروتستانیسم، کاتولیسم، هندوئیسم، بودیسم، کنفوسیونیسیم و یهودیت وجود دارد (جهاد) و از طرف دیگر شاهدیم که یک بازار اقتصادی توسعه طلب و جهانی ساز (تحت کنترل شرکت‌های چند ملیتی) از طریق اقلام مصرفی و فرهنگ عامه پسند، قصد همگون سازی فرهنگ‌های محلی و ادغام آن‌ها در فرهنگ جهانی را دارد (مک ورلد) شهابی این دو سبک را، سبک زندگی ستیزه جویانه و سبک زندگی مصرفی می‌نامد: (به نقل از شهابی، 1386). پالومتس (1998) در تحقیق خود در مورد سبک زندگی در استونی، براساس ترکیب سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی مورد نظر پیر بوردیو سه گروه تشخیص می‌دهد که هر کدام سبک زندگی خاصی دارند. گروه اول کسانی که سرمایه اقتصادی و سرمایه تحصیلی بالایی دارند در مورد سبک زندگی این گروه، گذراندن اوقات فراغت با تجهیزات ورزشی، کوهنوردی و تکنولوژی عکاسی و مصرف بالای فرهنگی، کارهای هنری و کلکسیون هنری و کتابخانه، کلبه تابستانی و مصرف مکمل‌های غذایی، گروه دوم کسانی که سرمایه اقتصادی بالایی دارند و در مورد سبک زندگی آنان می‌توان به مشخصه

1- Barber

2- Jihad

3- Mcworld

هفتم

هایی همچون داشتن اتومبیل شخصی، سنگ‌ها و فلزات گران‌بها، ملاقات‌های اجتماعی در رستوران‌ها و کافه‌ها، رفتن به کنسرت‌ها، تئاترها و نمایشگاه‌ها و فعالیت‌های سیاسی اشاره کرد و گروه سوم کسانی که سرمایه تحصیلی بالایی دارند که سبک زندگی آنان با ویژگی‌های داشتن آلات موسیقی، کم‌اهمیت دادن به دیدن تلویزیون و گوش دادن به رادیو، خواندن روزنامه، اهمیت دادن به پیش‌رفت ذهنی و یادگیری زبان‌های خارجی از دو گروه قبل متمایز می‌شوند. برگ با پرسش از 47 فعالیت در بین رانندگان جوان سوئدی و با تحلیل عاملی داده‌ها ده الگوی سبک زندگی به دست آورده است که شامل سبک‌های ورزشی، الکلی، عشق رانندگی، فرهنگی، رفتار زنانه، مشارکت اجتماعی، بلا تکلیف، دوستدار فیلم، حساس به لباس و عشق به اتومبیل بود (برگ، 1994 به نقل از فاضلی، 1382).

در مورد رابطه سرمایه فرهنگی و اقتصادی با سبک زندگی تحقیقات مختلفی انجام شده است اما شیوه ترکیب دو نوع سرمایه کاملاً متفاوت است. بیشتر آن‌ها متغیرهای تحصیلات و درآمد به عنوان اجزای پایگاه اجتماعی و اقتصادی (فردرو، 1378) و یا به عنوان معرف‌های طبقه اجتماعی (تامین، 1385) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بر این اساس شواهد تجربی وجود دارد که رابطه تحصیلات با سبک زندگی را تایید می‌کند (سویج و بارلو، 1992؛ برگس، 1986؛ لیبرسون و بل، 1992؛ رضوی زاده 1386؛ فرد رو 1378) و از سوی دیگر شواهد تجربی دیگری رابطه بین وضعیت اقتصادی و سبک زندگی را نیز تایید می‌کنند (تامین، 1385؛ ملوین کوهن، دی مگیو و اوسیم، 2000؛ کلی، 1990؛ زابلکی و کانتر، 1976)

لاروک (1385) در زمینه رابطه سبک زندگی با طبقه اجتماعی معتقد است که تعلق به یک طبقه اجتماعی را می‌توان از روی سبک زندگی شناخت، چرا که سبک زندگی طبقات با هم دیگر متفاوت است. رابطه طبقه و سبک زندگی از دو جهت قابل بررسی است: 1- سبک زندگی به میزان درآمد بستگی دارد. استفاده از درآمد وسیله‌ای است برای رسیدن به نقش‌هایی که میزان مشخصی وجهه ایجاد می‌کند علاوه بر آن درآمد نه تنها موجب سطح زندگی مشخصی است، بلکه وسیله قبول و پذیرش سبک زندگی معینی نیز هست و مشابه بودن سطح زندگی

در بین تعدادی از مردم، نوعی رابطه بین آن‌ها ایجاد می‌کند که آنان را از کسانی که سطح زندگی بالاتر یا پایین‌تر از آن‌ها دارند، متمایز می‌کند. البته گاهی ممکن است افرادی که سطح درآمدی مشابه دارند، از نظر سبک زندگی مشابه نباشند به عبارت دیگر سطح درآمدی یکسان، سبک زندگی مشابه را در پی نداشته باشد و علت این امر به چگونگی استفاده و هزینه کردن درآمد مربوط است، و در مقابل افرادی که درآمدهای یکسانی ندارند ممکن است سبک زندگی مشابهی داشته باشند. 2- چگونگی استفاده از درآمد غالباً مبین سبک زندگی است. خانواده‌های با درآمد مشابه و یکسان غالباً درآمد خود را در جهات و امور متفاوت هزینه می‌کنند. برخی برای خوراک و احتیاجات اولیه نسبت بیشتری هزینه می‌کنند و برخی سهم بیشتری را خرج مسکن، اتاق پذیرایی، ناهارخوری، لباس و مانند آن می‌کنند و این تفاوت در بهره‌برداری از درآمد بستگی به این دارد که فرد به کدام گروه و طبقه اجتماعی تعلق دارد. مثلاً در مورد مسکن، اینکه فرد خانه شخصی داشته باشد یا در آپارتمان اجاره‌ای زندگی کند یا در چه محله‌ای سکونت کند تا حد زیادی به گروه و طبقه‌ای که فرد متعلق به آن است، بستگی دارد. در مورد لباس، در بسیاری از جوامع نوع لباس نشانه بستگی فرد به یک گروه اجتماعی معین است. حتی انتخاب نوع غذا، نوع مشروب، ساعات سرو غذا و ترتیب غذا خوردن نیز تا حد زیادی در گروه‌های اجتماعی مختلف متفاوت است. در مورد ورزش نیز برخی از ورزش‌ها مختص طبقات متوسط یا بالاست. البته عامل اساسی در این جریان، تحصیلات و سبک تعلیم و تربیت است. از آنجا که میزان تحصیلات نقش هر کس در جامعه را مشخص می‌کند و همچنین تعیین‌کننده درآمد و نحوه استفاده از درآمد است و شاید به همین علت، سطح تحصیلات و نوع مدرسه‌ای که فرد در آن آموزش دیده، عامل اساسی تعیین‌کننده طبقه اجتماعی اوست.

بررسی تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که هر کدام از تحقیقات انجام شده به یک بعد خاص از سبک زندگی توجه کرده اند و جای خالی یک تحقیق که به ابعاد گوناگون سبک زندگی توجه کرده و سنخ بندی خود را براساس ترکیب ابعاد چندگانه آن ارایه نماید ما را برآن

هفتم

داشت که این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم. البته در این مقاله بخش اندکی از یافته های پژوهشی حاصل از این بررسی با رویکرد تاثیر سرمایه فرهنگی و اقتصادی بر سبک زندگی ارایه می گردد. این مقاله در پی آن است که سبک زندگی جوانان را دسته بندی و توصیف کرده و به این سؤال پاسخ دهد که آیا ترکیب سرمایه فرهنگی و اقتصادی با نوع سبک زندگی رابطه دارد؟ بنابراین فرضیه «سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین بر نوع سبک زندگی جوانان تاثیر دارد.» مورد بررسی قرار می گیرد.

در این مقاله فقط به بعد رفتاری سبک زندگی توجه شده است و با استفاده از داده های حاصل از تحلیل خوشه بندی پنج سبک زندگی از یکدیگر متمایز شدند.

روش تحقیق

این تحقیق به صورت پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری این بررسی جوانان 15 تا 29 ساله ساکن شهر مشهد در تابستان 1388 بود که با استفاده از فرمول کوکران با پارامترهای نامعین حجم نمونه 396 نفر تعیین ولی در عمل به 402 نفر افزایش یافت که 201 نفر مرد و 201 نفر زن پاسخ گوی پرسش نامه ها بودند. نمونه گیری به صورت طبقه بندی چند مرحله ای و در آخرین مرحله به صورت سیستماتیک انجام شد.

با توجه به داده های دو تحقیق اخیر در مورد شهر مشهد (بهروان، 1387؛ یوسفی، 1388) و بر اساس دو متغیر میانگین سطح سواد سرپرست خانوار و میانگین درآمد سرپرست خانوار در هر منطقه شهرداری، مناطق شهرداری به چهار گروه (بالا؛ متوسط بالا؛ متوسط پایین؛ پایین) تقسیم شد و به تناسب جمعیت ساکن در هر کدام از مناطق گروه های چهارگانه، حجم نمونه تخصیص پیدا کرد و سپس از بین مناطق شهرداری تحت پوشش هر کدام از گروه های چهارگانه، یک منطقه به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شد به طوری که منطقه یک شهرداری با 96 نمونه به عنوان بالا، منطقه 10 شهرداری با 56 نمونه به عنوان متوسط بالا، منطقه 7 شهرداری با 100 نمونه به عنوان متوسط پایین و منطقه 4 شهرداری با 150 نمونه به عنوان

پایین انتخاب شدند. پس از آن براساس آخرین اطلاعات نقشه ممیزی شهر مشهد بلوک‌های مناطق انتخاب شده به ترتیب شماره بلوک مرتب شد و با استفاده از جدول اعداد تصادفی برای منطقه یک تعداد 10 بلوک، منطقه ده تعداد 6 بلوک، منطقه هفت تعداد 10 بلوک و منطقه چهار تعداد 15 بلوک انتخاب شد و در هر بلوک به صورت تصادفی منظم 10 خانوار مورد پرسش قرار گرفت و در صورت نبودن جوان در بازه سنی 15-29 ساله به خانوار بعدی مراجعه می شد.

ابزار جمع آوری داده ها پرسش نامه محقق ساخته بود که اعتبار آن با تایید اهل فن و پایایی آن با آلفای کرونباخ معادل 0.82. برای 12 گویه دین داری محاسبه شد. واحد تحلیل در این تحقیق فرد بود. به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده ها، علاوه بر آماره‌های توصیفی، از تحلیل عامل، تحلیل خوشه، مقایسه میانگین‌ها و تحلیل واریانس استفاده شد.

دو متغیر اصلی در این تحقیق، سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین و نوع سبک زندگی جوانان بود که به شرح ذیل مورد سنجش قرار گرفت.

نظریه بوردیو و تحقیق عملی پالومتس در استونی که بر مبنای نظر بوردیو انجام شده بود در این تحقیق مبنای ترکیب سرمایه فرهنگی و اقتصادی قرار گرفت و گروه بندی جامعه بر مبنای آن صورت گرفت. البته با تجربه پالومتس این تفاوت را داشت که وی فقط گروه بندی طبقه اشراف را مورد توجه و استفاده قرار داده بود ولی در این بررسی قشر متوسط و قشر پایین نیز مورد توجه قرار می گیرد. ولذا در این تحقیق پنج قشر اجتماعی بر اساس ترکیب سرمایه فرهنگی (تحصیلی) و سرمایه اقتصادی مشخص شد که شامل: 1- هم سرمایه فرهنگی وهم سرمایه اقتصادی زیاد است 2- فقط سرمایه فرهنگی زیاد 3- فقط سرمایه اقتصادی زیاد 4- سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی در حد متوسط 5- سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی در حد کم، بود. نکته مهم در این طبقه بندی تعیین مرز کم و زیاد بود. با توجه به کمی بودن شاخص‌های سرمایه و عدم وجود توضیح روشنی در نظریه بوردیو و تجربه پالومتس در این

هفتم

زمینه بر آن شدیم ملاک مناسبی را مورد توجه قرار دهیم، ابتدا از پارامتر آماری میانه استفاده شد و بالاتراز میانه به عنوان زیاد و پایین تر از میانه به عنوان کم در نظر گرفته شد ولی با توجه به اعداد به دست آمده: (میانه سواد 8 کلاس و میانه ثروت 40 میلیون تومان) ملاک مناسبی به نظر نمی رسید و علاوه بر آن طبقه متوسط خود به خود حذف می شد. با بررسی های انجام شده و مذاکره با یکی از اساتید گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی متقاعد شدیم که حداقل در مورد شهر مشهد هیچ عدد و رقمی از درآمد، تحصیلات و ثروت که اقبال بالا، متوسط و پایین را از یکدیگر متمایز کند، وجود ندارد. رفیع پور (1376) در توضیح نابرابری اقتصادی - اجتماعی در ایران از شاخص نابرابری که حاصل تقسیم مجموع درآمد 20٪ بالای جامعه: (دو دهک بالا) بر درآمد 40٪ پایین جامعه بود، استفاده کرد. بنابراین از همین شیوه جهت تعیین مرز کم و زیاد استفاده شد یعنی نقطه 40٪ و پایین تر را به عنوان کم و نقطه 80٪ و بالاتر را به عنوان زیاد در نظر گرفتیم (براین اساس سواد 6/5 کلاس و پایین تر را کم و 12 کلاس و بیشتر را زیاد و ثروت 50 میلیون و کمتر را کم و 200 میلیون و بیشتر را زیاد و فاصله بین کم و زیاد به عنوان متوسط در نظر گرفته شد).

در مورد متغیر سبک زندگی جوانان براساس پیشینه ها و مباحث نظری در زمینه سبک زندگی، هشت شاخص مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، رفتار انحرافی، رفتار سیاسی، توجه به آرایش، هزینه لباس و کفش، هزینه خوراک و دین داری به عنوان شاخص های سبک زندگی در نظر گرفته شد، که هر کدام از آن ها نیز شامل چندین شاخص می شد. میزان برخورداری از هر شاخص در سطح کم و زیاد مورد سنجش قرار گرفت. برای این سنجش ابتدا اجزای تشکیل دهنده هر شاخص را با هم جمع کرده و حاصل تفاضل بزرگترین و کوچکترین کد در هر شاخص را تقسیم بر دو نمودیم. از کمترین تا عدد به دست آمده به عنوان کم و از آن عدد تا بزرگترین به عنوان زیاد در نظر گرفته شد. براساس نتایج تحلیل خوشه بندی که بر مبنای بیشترین تشابه و تمایز بین پاسخ گویان از نظر شاخص های سبک زندگی به دست آمده بود. آنان در پنج گروه (سبک) دسته بندی شدند که ویژگی های هر گروه مطرح خواهد شد.

یافته های تحقیق

نتایج توصیف داده ها به تفکیک سبک های زندگی در جدول شماره 1 نشان داده شده است. براساس داده های این جدول مسن ترین پاسخ گویان در سبک چهار و جوان ترین پاسخ گویان در سبک پنج قرار گرفته اند. بر اساس آزمون تحلیل واریانس (F) تفاوت سنی بین سبک های مختلف دار است. از نظر میزان تحصیلات پدر، بیشترین میانگین (10/7 کلاس) در سبک پنج و کمترین میانگین (7/5 کلاس) در سبک چهار مشاهده شد. و در مورد تحصیلات مادربیشترین میانگین (9/3 کلاس) در سبک پنج و کمترین میانگین (6/2 کلاس) در سبک سه بود. آزمون تحلیل واریانس نشان داد که سطح تحصیلات والدین بین سبک های مختلف تفاوت معناداری دارد. از نظر درآمد ماهیانه والدین بیشترین میانگین (72905 تومان) در سبک یک و کمترین میانگین (387340 تومان) در سبک چهار مشاهده شد و از نظر ثروت والدین بیشترین میانگین (294/820 میلیون تومان) در سبک یک و کمترین آن (90/06 میلیون تومان) در سبک چهار بود. بر اساس آزمون تحلیل واریانس، اختلاف درآمد و ثروت والدین در سبک های مختلف معنادار است. از نظر سواد پاسخ گو بیشترین میانگین (12/81 کلاس) در سبک پنج و کمترین آن (11/51 کلاس) در سبک چهار مشاهده شد که بر اساس آزمون تحلیل واریانس اختلاف سطح سواد بین سبک های مختلف معنادار است.

جدول 1- ویژگی های فردی و خانوادگی به تفکیک سبک

Sig	F	سبک پنج	سبک چهار	سبک سه	سبک دو	سبک یک	واحد	
0/004	3/86	21/5	23/5	22/5	21/8	22/07	سال	میانگین سن
0/001	4/94	10/7	7/5	8/3	8/4	8/7	سال	میانگین سواد پدر
0/000	6/20	9/3	6/5	6/2	6/9	7/9	سال	میانگین سواد مادر
0/000	5/30	615/84	387/34	597/95	486/87	729/05	هزار تومان	میانگین درآمد
0/008	3/50	273/96	90/69	151/42	129/24	294/82	میلیون	میانگین ثروت
0/024	2/85	12/81	11/51	11/89	11/87	11/68	سال	میانگین سواد پاسخ

هفتم

Sig	F آزمون	سبک پنج	سبک چهار	سبک سه	سبک دو	سبک یک	واحد	
0/19	1/53	50/35	51/11	48/26	56/90	53/47	ساعت در	میانگین اوقات
---	---	41/8 ⁸	43/6 ⁸	79/6	37/5	61/9	درصد	جنسیت: (مرد بودن)
----	----	24/1	⁸ 53/2	30/6	35/4	34/5	درصد	متاهل بودن
----	---	31/6	31/9	49 ⁸	30/2	⁸ 46/4	درصد	شاغل بودن

از نظر میزان اوقات فراغت، بیشترین میانگین در سبک د (56/90 ساعت در هفته) و کمترین آن (50/35 ساعت در هفته) در سبک پنج مشاهده شد که بر اساس آزمون تحلیل واریانس اختلاف میانگین اوقات فراغت بین سبک های مختلف معنادار نیست. از نظر ترکیب جنسی سبک ها، در سبک های چهار و پنج اختلاف نسبت بین دو جنس معنادار نیست در سه سبک دیگر اختلاف نسبت ها معنادار است. سبک های یک و سه بیشتر مرد و سبک دو بیشتر زن بودند. از نظر وضع تاهل فقط در سبک چهار نسبت مجرد و متاهل تفاوت معناداری نداشت در سایر سبک ها نسبت مجردین بیشتر بود. از نظر اشتغال، در سبک یک و سه نسبت شاغلین و غیر شاغلین تفاوت معناداری ندارد، در سایر سبک ها نسبت غیر شاغلین بطور معناداری بیشتر از شاغلین است.

میزان برخورداری از شاخص های سبک زندگی

مصرف فرهنگی؛ در همه سبک ها کسانی که اهل مسافرت رفتن هستند به طور معناداری بیشتر از کسانی که اهل مسافرت رفتن نیستند، بود. بیشترین نسبت (92/4٪) در سبک پنج و کمترین آن (61/7٪) در سبک چهار مشاهده شد. در سبک های یک و چهار نسبت کسانی که اهل مطالعه هستند با نسبت کسانی که اهل مطالعه نیستند، تفاوت معناداری نداشت. در سایر سبک ها نسبت کسانی که اهل مطالعه بودند، بیشتر بود. در همه سبک ها به جز سبک چهار، نسبت کسانی که اهل ورزش بودند در حد معناداری بیشتر از کسانی که اهل ورزش نبودند، بود. در همه سبک ها نسبت کسانی که اهل موسیقی گوش کردن بودند، در حد معناداری

بیشتر از نسبت کسانی که گوش نمی کردند، بود. فقط در سبک یک نسبت کسانی که به ماهواره دسترسی داشتند با نسبت کسانی که دسترسی نداشتند تفاوت معناداری نداشت. در سایر سبک ها نسبت کسانی که به ماهواره دسترسی نداشتند، بیشتر بود. فقط در سبک سه، نسبت کسانی که اهل سینما رفتن بودند با نسبت کسانی که اهل سینما رفتن نبودند تفاوت معناداری نداشت. در سبک های یک، دو، پنج نسبت اهل سینما رفتن بیشتر و در سبک چهار کمتر بود. از نظر داشتن کامپیوتر بیشترین نسبت (1/91٪) در سبک پنج و کمترین آن (9/40٪) در سبک چهار بود. در سبک چهار و پنج نسبت کسانی که کامپیوتر داشتند با نسبت کسانی که نداشتند، تفاوت معناداری نداشت. در سایر سبک ها این تفاوت معنادار بود. در مورد اهل تماشای فیلم بودن در همه سبک ها نسبت کسانی که پاسخ مثبت دادند با نسبت کسانی که پاسخ منفی دادند، معنادار بود.

رفتار انحرافی؛ بیشترین رفتار انحرافی ابتدا در سبک یک و سپس سبک سه مشاهده می شود سبک یک بیشتر پسران متعلق به قشر بالا هستند. و سبک پنج به جز دوستی با جنس مخالف، هیچ رفتار انحرافی ندارند. پس از آن سبک چهار دارای کمترین رفتار انحرافی است. بیشترین نسبت رفتار انحرافی (8/79٪) مربوط به قلیان کشیدن در سبک یک بود. نسبت کسانی که قلیان می کشند با نسبت کسانی که نمی کشند در سبک سه تفاوت معناداری نداشت. نسبت کسانی که تجربه داشتن دوست از جنس مخالف داشتند با نسبت کسانی که این تجربه را نداشتند در سبک سه و پنج تفاوت معناداری نداشت. و همچنین در سبک یک نسبت کسانی که داشتن دوست از جنس مخالف را تجربه کرده بودند بیشتر از نسبت کسانی بود که این تجربه را نداشتند. در مورد سایر رفتارهای انحرافی در سبک های مختلف نسبت کسانی که رفتار انحرافی نداشتند در حد معناداری بیشتر از سایرین بود.

رفتار سیاسی؛ کمترین عضویت در بسیج (6/3٪) و شرکت در همه انتخابات (5/2٪) و اهمیت دادن به مسائل سیاسی (میانگین 2/24 از 5) در سبک یک و بیشترین آن ها (به ترتیب 8/38٪، 7/83٪، میانگین 3/31 از 5) در سبک سه مشاهده شد. در سبک سه بین نسبت کسانی که در همه انتخابات شرکت می کردند با نسبت کسانی که در همه انتخابات شرکت نمی کردند، تفاوت معناداری وجود نداشت.

هفتم

مصرف آرایش؛ در زمینه آرایش فقط ژل زدن در همه سبک ها به جز سبک چهار متداول بود و بین نسبت کسانی که ژل می زدند و نسبت کسانی که اهل ژل زدن نبودند در این سبک هاتفاوت معناداری وجود نداشت. در مورد برداشتن ابرو نیز نسبت کسانی که اهل این کار بودند با نسبت کسانی که نبودند تفاوت معناداری نداشت. در سایر موضوعات در همه سبک هانسیبت کسانی که اهل آرایش های مختلف بودند در حد معناداری کمتر از سایرین بود. مدیریت بدن؛ فقط در سبک دو نسبت کسانی که اهل رژیم گرفتن بودند با سایرین تفاوت معناداری داشت اهل رژیم گرفتن در سایر سبک ها و نسبت کسانی که مایل به انجام عمل جراحی زیبایی بودند در حد معناداری کمتر از بقیه که اهل رژیم گرفتن و مایل به عمل جراحی بودند، بود. در همه سبک ها به جز سبک چهار، نسبت کسانی که اهل ورزش بودند در حد معنا داری بیشتر از کسانی که اهل ورزش نبودند، بود و در سبک چهار نسبت کسانی که اهل ورزش بودند با سایرین تفاوت معناداری نداشت. دین داری در همه سبک ها به جز سبک دو، در حد متوسط است.

جدول 2- توزیع پاسخ گویان برحسب میزان برخورداری از شاخص های سبک

ابعاد	شاخصها	سبک یک	سبک دو	سبک سه	سبک چهار	سبک پنج
لباس و کفش	هزینه سالانه	179/36	125/33	114/17	110/33	193/38
خوراک	هزینه ماهیانه	47/85	27/58	63/42	36/11	53/41
	درصد اهل مسافرت رفتن	81	84/4	87/8	61/7	92/4
	اهل مطالعه بودن	*56	84/4	65/3	*50	78/5
	اهل ورزش کردن بودن	80/7	94/8	81/6	*44/1	78/5
مصرف	اهل موسیقی گوش کردن	97/6	92/7	95/9	87/2	92/4
فرهنگی	دست رسی به ماهواره	*46/4	11/5	16/3	8/6	32/9
	اهل سینما رفتن	60/7	67/7	*59/2	33/3	78/5
	کامپیوتر داشتن	69	65/6	*46/9	*40/9	91/1
	اهل تماشای فیلم بودن	98/8	92/7	95/8	90/4	96/2
	داشتن تجربه مصرف سیگار	19	2/1	18/4	1/1	0
	رفتار انحرافی داشتن تجربه مصرف قلیان	79/8	7/3	*55/1	1/1	0
	داشتن تجربه مصرف تریاک و شیره	11/9	3/1	8/2	2/1	0

شماره دوم					سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد...
151					
0	0	0	1	7/1	داشتن تجربه مصرف هروئین و شیشه و کراک
0	1/1	12/2	1	39/3	داشتن تجربه مصرف مشروبات الکلی
0	1/1	4/1	1	22/6	داشتن تجربه شرکت در پارتی مختلط
0	0	0	1	3/6	داشتن تجربه شرکت در اکس پارتی
0	0	0	½	6	داشتن تجربه مصرف قرص روانگردان
0	½	22/4	3/1	26/2	داشتن تجربه روابط جنسی با جنس مخالف
0	0	10/2	½	9/5	داشتن تجربه روابط جنسی با جنس موافق
*41/8	11/7	*59/2	15/6	65/5	تجربه داشتن دوست از جنس مخالف

ابعاد	شاخصها	سبک یک	سبک دو	سبک سه	سبک چهار	سبک پنج
	عضویت در بسیج	3/6	33/3	38/8*	23/7	10/1
	شرکت در همه انتخابات	25	67/7	83/7	55/3	26/6
رفتار سیاسی	میانگین میزان به فکر مسائل سیاسی بودن	44/8	46	66/2	53/6	47/8
	ژل زدن مو	56*	46/9*	59/2*	37/6	50*
	گلد کردن مو	10/7	3/1	6/1	2/2	7/7
	مش زدن مو	22/6	18/8	8/2	21/5	14/1
	فر زدن مو	1/2	5/2	8/2	5/4	6/4
مصرف آرایش	رنگ کردن مو	16/7	14/6	6/1	17/2	14/1
	برداشتن زیر ابرو	41/7*	27/1	22/4	36/2	38
	زدن رژ لب و سایه	25	25	6/1	18/1	27/8
	رنگ کردن زیر چشم	11/9	6/3	4/1	5/3	7/6
مدیریت بدن	اهل رژیم گرفتن	33/3	56/3**	14/3	18/1	25/6

هفتم

ابعاد	شاخصها	سبک یک	سبک دو	سبک سه	سبک چهار	سبک پنج
	تمایل به جراحی زیبایی	32/2	31/3	16/3	5/3	11/2
	اهل ورزش کردن	80/7	94/8	81/6	44/1	78/5
دین‌داری	دین‌داری	43/35	64/87	60/17	52/3	46/02

- براساس آزمون یک متغیره «کای دو» تفاوت معنادار نبود.

برخورداری از ابعاد سبک زندگی

برای محاسبه برخورداری از هر بعد، ابتدا برای پاسخ گویانی که به هر کدام از شاخص‌های تشکیل دهنده هر بعد پاسخ مثبت داده بودند کد (1) و کسانی که پاسخ منفی داده بودند کد (0) در نظر گرفته شد و سپس با فرمان شمارش، تعداد کدهای (1) شمارش و به عنوان یک متغیر در نظر گرفته شد. پس از آن با فرمان کد گذاری مجدد، به دوطبقه کم و زیاد تبدیل شد. جدول 3 توزیع پاسخ گویان برحسب کم یا زیاد داشتن هر کدام از ابعاد سبک زندگی را نشان می دهد. براساس داده های این جدول مصرف فرهنگی در بین جوانان نسبت به سایر شاخص‌ها زیاده‌تر است. توجه به آرایش بیشتر در حد کم است، البته لازم به توضیح است که 50٪ پاسخ گویان مرد بودند که گرایشی به آرایش ندارند. مدیریت بدن و رفتار انحرافی نیز نسبتاً کم است. رفتار سیاسی جوانان نیز میل به کم دارد به طوری که 39/3٪ رفتار سیاسی زیاد داشتند. هزینه خوراک و لباس نیز از متوسط کمتر است. دین‌داری در حد متوسط است. البته خود پاسخ گویان نیز دین‌داری خود را در حد متوسط ارزیابی کرده اند: (2/86 نسبت به عدد 5).

جدول 3- توزیع پاسخ گویان برحسب میزان برخورداری از ابعاد سبک زندگی

ابعاد	کم	زیاد
سبک زندگی	تعداد درصد	تعداد درصد
مصرف فرهنگی	161 40	241 60
مدیریت بدن	257 63/9	145 36/1

153				
34/3	138	65/7	264	رفتار انحرافی
39/3	158	60/7	244	رفتار سیاسی
19/2	77	80/8	325	توجه به آرایش
38/3	145	61/7	234	هزینه لباس و کفش
41/9	132	58/1	183	هزینه خوراک
51	204	49	196	دین‌داری

سبک های زندگی

نتایج به دست آمده از تحلیل خوشه بندی براساس بیشترین تشابه و کمترین تمایز نشان می دهد که پاسخ گویان براساس برخورداری از ابعاد مختلف سبک زندگی به پنج خوشه (سبک) تقسیم می شوند که ویژگی های هر سبک به این شرح است

سبک یک: 84 نفر از پاسخ گویان (9/20٪) این سبک زندگی را داشتند. در این سبک مدیریت بدن، رفتار انحرافی، توجه به آرایش و هزینه لباس زیاد بود و در مقابل مصرف فرهنگی، رفتار سیاسی، هزینه خوراک و دین‌داری در سطح کم بود. نکته قابل توجه در این سبک همراهی انحراف زیاد، مدیریت بدن و آرایش زیاد با دین‌داری کم، مصرف فرهنگی کم و رفتار سیاسی کم بود که با توجه به مصادیق عینی آن در جامعه قابل پذیرش است یعنی کسانی که به مناسک دینی پایبند نیستند و شاید به دلیل ضعف دین‌داری و آگاهی فرهنگی پایین به راحتی مرتکب انحراف شده و نسبت به مسائل سیاسی جامعه هم بی تفاوت هستند.

سبک دو: 96 نفر از پاسخ گویان (9/23٪) این سبک زندگی را داشتند. در این سبک مدیریت بدن، مصرف فرهنگی، تعهد سیاسی، هزینه لباس و دین‌داری زیاد و در مقابل رفتار انحرافی، آرایش و هزینه خوراک کم بود. در این سبک نیز تا حدی مشابه سبک یک، همراهی مصرف فرهنگی، رفتار سیاسی و دین‌داری زیاد با رفتار انحرافی و آرایش کم قابل توجه است.

هفتم

جدول 4- انواع سبک های زندگی جوانان مورد بررسی

نوع سبک	سبک یک	سبک دو	سبک سه	سبک چهار	سبک پنج
مصرف فرهنگی	کم	زیاد	زیاد	کم	زیاد
مدیریت بدن	زیاد	زیاد	زیاد	کم	زیاد
رفتار انحرافی	زیاد	کم	زیاد	کم	کم
رفتار سیاسی	کم	زیاد	زیاد	زیاد	کم
مصرف آرایش	زیاد	کم	زیاد	زیاد	کم
هزینه لباس و کفش	زیاد	زیاد	کم	کم	کم
هزینه خوراک	کم	کم	زیاد	کم	زیاد
پایبندی به مناسک دینی	کم	زیاد	زیاد	کم	کم
تعداد اعضای هر سبک	84	96	49	94	79
درصد نسبت به کل پاسخ	20/9	23/9	12/2	23/4	19/6

سبک سه: 49 نفر از پاسخ گویان (12/2٪)، کمترین تعداد، این سبک را داشتند. در این سبک مدیریت بدن، مصرف فرهنگی، رفتار انحرافی، تعهد سیاسی، توجه به آرایش، هزینه خوراک و دین داری در حد زیاد و فقط هزینه لباس در حد کم بود. شاید همراه بودن دین داری زیاد با رفتار انحرافی زیاد و رفتار سیاسی زیاد نوعی ناهماهنگی و ناسازگاری و حتی خطا را به ذهن بیاورد اما واقعیت ملموسی است که در جامعه ما وجود دارد. این گروه که تعدادشان هم کم است انقلابی نماهای متظاهری هستند که آگاهانه و به دروغ نقاب دین داری زده اند. حتی هزینه کم لباس که می تواند شاخص تظاهر به ساده زیستی باشد نیز با بقیه عناصر هماهنگ است.

سبک چهار: 94 نفر از پاسخ گویان (23/4٪) این سبک زندگی را داشتند. در این سبک توجه به آرایش و رفتار سیاسی زیاد و در مقابل مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، رفتار انحرافی، هزینه لباس و کفش، دین داری و هزینه خوراک در حد کم بود. در این سبک همراه بودن

دینداری کم و رفتار انحرافی کم قابل توجه است و دیگر همراه بودن رفتار سیاسی زیاد با دینداری کم نیز قابل تأمل است. این سبک بیشتر متعلق به کسانی است که وضع اقتصادی خوبی ندارند، در عین حال خیلی به مناسک دینی پایبند نیستند و شاید بر همین اساس زیادتر آرایش می کنند لکن به دلیل کنترل اجتماعی شدیدتر، انحراف کمی دارند و رفتار سیاسی آنان زیاد است.

سبک پنج: 79 نفر از پاسخ گویان (6/19٪) این سبک را داشتند. کسانی که در این سبک قرار می گیرند مصرف فرهنگی، مدیریت بدن و هزینه خوراک زیاد و در مقابل رفتار انحرافی، رفتار سیاسی، توجه به آرایش، هزینه لباس و دینداری کم دارند. این گروه شاید از نظر اقتصادی مشابه سبک چهار باشد ولی در این سبک، مصرف فرهنگی زیاد است و شاید به همین دلیل رفتار انحرافی کم است.

در سه سبکی که مصرف فرهنگی زیاد بود در دو مورد رفتار سیاسی زیاد و همچنین در دو مورد رفتار انحرافی کم بود و در دو مورد آن دینداری زیاد و در دو مورد مدیریت بدن زیاد بود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که مصرف فرهنگی زیاد با رفتار سیاسی، مدیریت بدن و دینداری زیاد و از طرف دیگر رفتار انحرافی کم همراه است.

رابطه سبک زندگی با سرمایه فرهنگی و اقتصادی

با توجه به میزان آزمون کای دوی محاسبه شده جدول (50/228) و میزان خطای آزمون (0/000) برای جدول با درجه آزادی 16، می توان گفت بین سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین و سبک زندگی جوانان رابطه معنادار آماری وجود دارد. بنابراین فرضیه اولیه تحقیق که مدعی وجود رابطه معنا دار بین دو متغیر بود مورد تایید قرار می گیرد.

بر اساس آزمون معناداری تفاوت سرمایه اقتصادی و فرهنگی در تک تک سبک های پنج گانه معنادار بود بنابراین تاثیر سرمایه اقتصادی و فرهنگی بر سبک های زندگی جوانان مورد تایید قرار می گیرد.

هفتم

تحلیل درصدهای جدول اطلاعات بیشتر و کامل تری را به ما می دهد. بیشتر جوانانی که میزان ثروت و تحصیلات والدینشان در سطح بالا بود سبک یک و سبک پنج را داشتند و بیشتر کسانی که میزان تحصیلات والدینشان بالا بود سبک پنج و بیشتر کسانی که میزان ثروت والدینشان بالا بود سبک یک و سبک دو را داشتند. سبک یک یا پنج در هر سه گروه وجود دارد و جوه مشترک این دو سبک شامل؛ مدیریت بدن زیاد، رفتار سیاسی کم و دینداری کم است.



جدول 5- رابطه سبک های زندگی جوانان مورد بررسی و سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین

معنی داری	آزمون کای دو	جمع		ثروت و تحصیلات		فقط ثروت		فقط تحصیلات بالا		ثروت و تحصیلات بالا		سرمایه تحصیلی و اقتصادی
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
0.016	12.19	84 (100)	19.6	19 (22.6)	18.6	26 (30.95)	26	13 (15.48)	7 (8.33)	34.5	19 (22.6)	سبک یک
0.001	19.10	96 (100)	26.8	26 (27.08)	22.9	32 (33.3)	34	17 (17.71)	10 (10.41)	20	11 (11.46)	سبک دو
0.000	25.79	49 (100)	11.3	11 (22.45)	16.4	23 (46.94)	10	5 (10.2)	7 (14.22)	5.5	3 (6.12)	سبک سه

معنی داری	جمع	ثروت و تحصیلات		ثروت و تحصیلات بالا		ثروت و تحصیلات بالا		ثروت و تحصیلات بالا		سرمایه تحصیلی و اقتصادی	نوع سبک زندگی		
		پایین	متوسط	پایین	متوسط	پایین	متوسط	پایین	متوسط				
0.000	34.19	94 (100)	35.1	34 (36.17)	22.1	31 (32.98)	20	10 (10.63)	20	12 (12.76)	7 (7.45)	سبک چهار	
0.000	26	79 (100)	7.2	7 (8.86)	20	28 (37.83)	10	5 (6.32)	40	24 (30.38)	15 (18.98)	سبک پنج	
—	—	402	100	97	100	140	100	50	100	60	100	55	جمع
			معنی داری = 0.000			درجه آزادی = 16						کی دو = 50/228	

البته در بین جوانانی که والدینشان ثروت اقتصادی بالایی دارند سبک دو بیشترین نسبت را به خود اختصاص داده که در این سبک رفتار سیاسی و دین داری زیاد است و فقط در مدیریت بدن با دو سبک قبلی مشترک است. این گروه شاید فرزندان ثروتمندان سنتی باشند که از نظر رفتار سیاسی و دین داری در سطح بالاتری قرار دارند، انحراف کم و مصرف فرهنگی زیاد از دیگر خصیصه های این سبک است. این گروه به مناسک دینی تا حد زیادی پایبندند، در نماز جمعه دعای کمیل، دعای ندبه بیشتر شرکت می کنند، بیشتر عضو بسیج هستند در همه انتخابات شرکت می کنند و برای مسائل سیاسی اهمیت زیادی قایل می شوند.

جوانانی که سطح تحصیلات و ثروت والدینشان در حد متوسط بود و بیشترین (34/8٪) جمعیت را هم به خود اختصاص داده بودند در همه سبک های زندگی تقریباً به یک نسبت مشارکت داشتند. به طوری که 18/6 درصد از پاسخ گویان این گروه سبک یک، 22/9٪ سبک دو، 16/4٪ سبک سه، 22/1٪ سبک چهار و 20٪ سبک پنج را داشتند. و این داده بیانگر این مطلب است که جوانان قشر متوسط در جامعه ما سبک زندگی مستقل و مجزایی ندارند و در واقع بین دو قشر بالا و پایین و شاید تلفیقی از هر دو قشر باشند.

هفتم

جوانانی که میزان ثروت و سطح تحصیلات والدینشان در سطح پایینی بود و 24/13٪ از کل جامعه مورد بررسی را شامل می شدند بیشتر در دو سبک دو و چهارقراری گرفتند. وجوه مشترک بین این دو سبک شامل انحراف کم، رفتارسیاسی زیاد و هزینه خوراک کم بود. البته پس از دو سبک یاد شده سبک یک با 19/6٪ قرار می گرفت که اتفاقاً در این سبک هم انحراف زیاد و هم رفتارسیاسی کم بود.

بحث و نتیجه گیری

سبک زندگی، مفهومی گسترده و چند بعدی است (بیرو، 1375؛ فیدرستون، 1991؛ ابادزی، 1381) و اینکه یک بعد خاص از آن را به عنوان شاخص سبک زندگی بررسی کنیم گویا نیست، هرچند توجه به همه ابعاد هم وسعت کار را به حدی افزایش می دهد که شاید انجام آن امکان پذیر نباشد. البته می توان به روش بینابینی ترکیبی از مهم ترین شاخص ها را به عنوان شاخص سبک زندگی در نظر گرفت. ساختن چنین شاخصی به راحتی امکان پذیر نیست و نیازمند بررسی های تجربی مکرر است. شاخص مورد استفاده جهت متمایز کردن سبک های زندگی از یکدیگر، احتمالاً برای اولین بار و با مشارکت هشت معرف ساخته شده است. در این بررسی فرضیه رابطه بین سبک زندگی و سرمایه فرهنگی (تحصیلی) و اقتصادی (بورديو، 1984؛ پالومتس، 1998) مورد آزمون قرار گرفت که تایید شد. بنابراین سبک زندگی جوانان تحت تاثیر خاستگاه فرهنگی و اقتصادی آنان است. برخی از پیشینه ها به رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی با سبک زندگی اشاره کرده اند (فردرو، 1378؛ رضوی زاده، 1387) و برخی به رابطه طبقه اجتماعی با سبک زندگی اشاره کرده اند (لثوبی، 1380؛ تامین، 1385؛ کلی، 1990؛ زابلکی و کانتر، 1976؛ دی مگیو و اوسیم، 2000؛ هارتون و هانت، 1984). از آنجا که سرمایه فرهنگی و اقتصادی جزو شاخص های اصلی طبقه اجتماعی است و در این تحقیق رابطه بین آنها و سبک زندگی تایید شد بنابراین می توان انتظار داشت که رابطه بین طبقه و سبک زندگی نیز تایید شود.

در این بررسی پنج سبک زندگی متفاوت در بین جوانان تشخیص داده شد که تاکنون این تعداد سبک با ترکیب حاضر در هیچ تحقیق تجربی در ایران مشاهده نشده است. البته برخی از سبک های این سنخ بندی با برخی از سبک های ارایه شده مشابهت دارد. مثلاً سبک دو تا حدی با سبک بسیجی (شهابی، 1386) و سبک زندگی اصول گرایی انقلابی (آزاد ارمکی، 1386) مشابهت دارد و سبک های یک و پنج نیز تا حدودی شبیه سبک زندگی پسامدرن (آزاد ارمکی، 1386) و سبک زندگی جهان وطنانه (شهابی، 1386) است.

در این بررسی مشخص شد که قشر متوسط تلفیقی از سبک زندگی قشر بالا و قشر پایین دارد و به عبارت دیگر قشر متوسط سبک زندگی مخصوص به خود ندارد و لذا جهت بررسی سبک زندگی از این پس بهتر است سراغ اقشار بالا و پایین جامعه برویم. قشر بالا به دلیل توانایی مالی و میل به متمایز نمودن خود از سایر اقشار، سبک زندگی خاصی را بر می گزیند و در مقابل قشر پایین به دلیل عدم توان مالی قادر به رقابت با قشر بالا نیست و در نتیجه از مدها و الگوهای رفتاری آنان پیروی نخواهند کرد و لذا سبک زندگی خاص خود را خواهند داشت.

وجود یک سبک زندگی که شاخص های متناقض با هم دارند نیز قابل توجه است. کسانی که هم به مناسک دینی پایبندند (اهل شرکت در نماز جماعت و نماز جمعه و دعاهاى مختلف هستند) و هم از ارتکاب انحرافات اخلاقی که با آن مواجه می شوند رویگردان نیستند. البته این سبک ریشه در برخی باورهای عامیانه دارد مثل اینکه بعضی از افراد می گویند «ما قبل از انقلاب، مشروب می خوردیم، دهان خود را آب می کشیدیم و نماز می خواندیم». یا فردی که ربا خوار است و از طریق نامشروع کسب درآمد می کند اما در ماه محرم مراسم عزاداری برگزار می کند و غذا رایگان به مردم می دهد. یعنی کسی که با خدا وارد جنگ شده است برای امام حسین (ع) مجلس عزا برگزار می کند. افزایش پیروان این سبک برای جامعه خطرناک است و موجب رشد نفاق و بی اعتمادی مردم در روابط شخصی خواهد شد.

هفتم

جوانان آینده سازان جامعه هستند و تهاجم برنامه ریزی شده فرهنگی دشمن نیز این گروه را هدف گرفته است و لذا توجه جدی تر به نحوه زندگی آنان (سبک زندگی) شامل رفتارها، ترجیحات و نگرش‌ها و انگیزه های رفتار یک ضرورت و نیاز انکارناپذیر است وجود رفتارهای انحرافی مثل مصرف سیگار، قلیان و مشروبات الکلی در بین جوانان که خود ریشه بسیاری از انحرافات خطرناک است نیز بایستی مورد توجه جدی قرار گیرد.



فهرست منابع

- آزاد ارمکی، تقی (1386): الگوهای سبک زندگی در ایران، الگوهای سبک زندگی ایرانیان. ابادری، یوسف و چاوشیان، حسن (1381): از "طبقه" تا "سبک زندگی"، نامه علوم اجتماعی، شماره 20.
- استاجی، زهرا و همکاران (1385): بررسی سبک زندگی در ساکنین شهر سبزوار، مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، دوره 13، شماره 3.
- بیرو، الن (1380): فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، چاپ چهارم. پورغلام، زهرا (1386): سبک های زندگی یا رفتارهای خرده فرهنگ در بین دختران نوجوان الگوهای سبک زندگی ایرانیان.
- رضوی زاده، نورالدین (1386): بررسی تاثیر مصرف رسانه ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- رفیع پور، فرامرز (1376): توسعه و تضاد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- شایان مهر، علیرضا (1379): دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، انتشارات کیهان. شفیعی، سمیه (1386): مطالعات جنسیتی اوقات فراغت: به سوی تبیین سبک زندگی، الگوهای سبک زندگی ایرانیان.
- شهابی، محمد (1386): سبک های زندگی جهان و طنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت های سیاسی آن، الگوهای سبک زندگی ایرانیان.
- رایمر، بو (1384): فرهنگ جوانان در مدرنیته متاخر، انتشارات سازمان ملی جوانان. فاضلی، محمد (1382): مصرف و سبک زندگی، نشر صبح صادق.
- فردرو، محسن و صداقت زادگان، شهناز (1378): پایگاه اقتصادی اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی، نشر زهد.
- فرهنگ، منوچهر (1369): فرهنگ علوم اقتصادی، نشر نو، تهران، چاپ ششم.
- کاظمی، عباس (1387): مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران، جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- گیدنز، آنتونی (1382): تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ دوم

هفتم

- لاروک، پیر (1385): طبقات اجتماعی، ترجمه ایرج علی آبادی، بهار.
- لئوبی، هنری (1380): اوقات فراغت و سبک های زندگی جوانان، انتشارات سازمان ملی جوانان.
- مارکس، کارل، بی تا، کاپیتال، ایرج اسکندری.
- ممتاز، فریده (1383): معرفی طبقه از دیدگاه بوردیو، پژوهش نامه علوم انسانی، شماره 42 - 41.

- Burgess, Robert (1989): **key variables in social investigation**, Rutledge.
- Bourdieu, Pierre (1984): **Distinction**, Cambridge, Mass., Harvard university press.
- Donoghoe, Martin C. & others (1992): Life-style factors and social circumstances of syringe sharing in injecting drug users, **British journal of addiction**, 87.
- Duchin, Faye & Hubacek , Klaus (2003): linking social expenditures to household lifestyles, **Futures** 35.
- Galobardes , Bruna & Others (2003): Trends in risk factors for lifestyle, related diseases by socioeconomic positioning Geneva, Switzerland, 1993 - 2000, **American journal of public health**.
- Heiman, Amir & others (2000): the role of socioeconomic factors and lifestyle variables in attitude and the demand for genetically modified foods, **Journal of Agribusiness**.
- Hubacek, Klaus & Others (2007): changing lifestyles and developing, **Futures** 39.
- Hurton, Paul B & Hunt Chester L (1984): **Sociology**, McGraw hill.
- Palumets, Liis (2002): **Space of lifestyles in Estonia in 1991**, pro ethnologia,
- Reusswig, Fritz & others (2005): **Changing global lifestyle and consumption**. Patterns, Potsdam institute for climate impact research.
- Rex, A. k. & others (2000): Associations between lifestyle and cardiovascular risk factors, **Journal of Adolescent Health**.
- Rossel, Jorg (2008): Conditions for the explanatory power of life styles, **European sociological review**, volume 24, number 2.
- Jensen, mikael (2007): **lifestyle: suggesting mechanisms and a definition from a cognitive science perspective**, Springer science - business media.
- Ziegenspeck, Svantje (2004): **lifestyles of private forest as an indication of social change**, forest policy and economics 6.